

موانع و الزامات پیاده سازی نظام انقلابی تمدن ساز

علی محسنی^۱، سعید اسلامی^۲، کمال پولادی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۲

چکیده:

انقلاب های بزرگ برای ساخت تمدن نیازمند راهبردها و طرح های بلند مدت، جهت نیل به اهداف و آرمان های تعیین شده هستند، لذا شناخت و واکاوی مشکلات و موانع پیش روی انقلاب ها به همراه الزامات تحقق این اهداف از پیش نیازهای مهم بنا نهادن تمدن است. بدین سان، بررسی و شناخت این موانع و الزامات، با تاکید بر انقلاب اسلامی ایران از اهداف تحقیق حاضر است. موانع و الزامات موجود در فرایند تمدن سازی انقلاب اسلامی ایران چیست؟ فرضیه پژوهش بر وجود موانع ساختاری داخلی و موانع فرهنگی خارجی در مسیر تمدن سازی انقلاب اسلامی ایران تأکید دارد. در این پژوهش از روش کیفی با رویکرد توصیفی -تحلیلی در راستای ارائه نوشتاری آسیب شناسانه از موانع و الزامات پیش روی اهداف انقلاب اسلامی، بر اساس نظریه «روش جستاری اسپریگنز» مبتنی بر روش اسنادی و کتابخانه ای بهره گرفته شده و گردآوری مطالب از طریق فیش برداری از کتب و مقالات متعدد صورت گرفته است. یافته ها موید مدعای فرضیه تحقیق بوده و نشان داده است که، انقلاب اسلامی برای دستیابی به آرمان تمدن ساز خود با موانع مختلف داخلی و خارجی رو به رو است.

واژگان اصلی: انقلاب اسلامی؛ تمدن؛ تمدن سازی؛ موانع؛ الزامات.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران (نویسنده مسئول)

Email: eslameesaed44@gmail.com

۳. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

مقدمه

انقلاب اسلامی با توجه به وسعت تأثیرگذاری که ناشی از آرمان‌های بلند نظام اسلامی مبنی بر ایجاد نظام اسلامی فراگیر و قرار گرفتن این نظام انقلابی به عنوان الگو و سرمشق دیگر ملت‌ها از بدو ایجاد تا کنون بوده است، با موانع داخلی و خارجی مختلفی روبه‌رو بوده است که این موانع و مشکلات مبتلابه انقلاب‌های بزرگ و تأثیرگذار می‌باشد. با توجه به الگو گیری از انقلاب ایران از فراسوی مرزها، ورود نظام انقلابی به دهه پنجم خود و وجود مشکلات و موانع متعدد بر سر راه تحقق اهداف و آرمان‌های انقلاب، شناخت این موانع و الزامات که پیش زمینه روند تمدن‌سازی آن است، تحقیق و تفحص جدی و همه‌جانبه را می‌طلبد که هدف اصلی این پژوهش است. از اینرو شناخت این موانع می‌تواند به رفع آن کمک نموده و راه حلی برای تسهیل تحقق اهداف انقلاب در مسیر تمدن‌سازی آن باشد. ایجاد تمدن اسلامی جدید با بازنمایی گفتمان اسلام سیاسی که پیروزی انقلاب اسلامی آن را در میان جوامع مختلف به شکل ایجاد یک حکومت اسلامی مطرح کرد، سبب طرح الگوی جدیدی از حکمرانی بر اساس دین و مذهب اسلام گردید که بر اساس نظر ساموئل هانتینگتون جزو حوزه‌های تمدنی جدید پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی است که چالش‌های تمدنی جدی را برای سرمایه‌داری به سرکردگی ایالات متحده ایجاد نموده و همین امر موجب هجوم امواج پیرامونی و فرا پیرامونی به خود شده است که هدف تمام امواج رقیب به شکست کشاندن انقلاب اسلامی در تحقق اهداف انقلابی و جلوگیری از برخاستن تمدن جدید در منطقه پرآشوب غرب آسیا و ارائه الگو برای سایر کشورهای منطقه، خصوصاً کشورهای مسلمان می‌باشد. نظام انقلابی ایران در مسر تمدن‌سازی خود با چه موانع و مشکلاتی روبه‌رو است؟ مدعای پژوهش بیان می‌دارد که نظام اسلامی با موانع متعدد ساختاری داخلی و خارجی دست و پنجه نرم می‌کند. بنابراین پژوهش حاضر با واکاوی انقلاب، با نگاه آسیب‌شناسانه، ضعف‌های پیش‌روی تحقق تمدن اسلامی را شناسایی و نسبت به ترمیم و پالایش آن برای دستیابی به آرمان بلند انقلاب که همان ایجاد تمدن نوین اسلامی به منظور هموار ساختن ظهور منجی بشریت می‌باشد، به یافته‌هایی مشتعل بر الزاماتی از نوع؛ لزوم تحقق اقتصاد مقاومتی، توجه به تولیدات داخلی، رونق تولید، انسجام و وحدت قومی - ملی، تغییر سبک زندگی، تحقق عدالت اجتماعی، ضرورت گسترش آموزه‌های اسلامی، همگرایی جهان اسلام، رصد و پایش شبانه‌روزی مراکز فکری و علمی جریان‌های رقیب داخلی و خارجی، افزایش توان علمی، بازدارندگی هم‌جانبه نظامی - امنیتی و موانع جدی داخلی؛ ساختار بروکراتیک، الگوی مصرف نادرست، نفوذ اندیشه‌های مهاجم در بین نخبگان سیاسی، عدم تحقق

اقتصاد مقاومتی، رانت و دولت تحصیل دار و موانع خارجی؛ استکبار جهانی به رهبری آمریکا، گروه ارتجاع منطقه به رهبری عربستان، سلطه نظام پولی و مالی آمریکا در جهان، رسانه‌های غالب بر جهان و صهیونیسم جهانی است

۱. روش شناسی تحقیق

نوشتار پیش رو با روش کیفی و با رویکرد توصیفی- تحلیلی به منظور آسیب شناسی نظام انقلابی تمدن ساز بر اساس نظریه «روش جستاری توماس اسپریگنز» بوده و به دنبال واکاوی و کنکاش قرار دادن الزامات و موانع تحقق نظام انقلابی تمدن ساز است. در این راستا؛ از روش اسنادی- کتابخانه ای استفاده شده و گردآوری مطالب از کتب و مقالات مختلف صورت گرفته است.

۲. چارچوب نظری

نظریه مورد استفاده در این پژوهش، نظریه روش جستاری اسپریگنز است. نگرش اسپریگنز به شکل گیری اندیشه‌ها، کارکردی بوده و به روند‌ها نظری واقع بینانه و در بستر ریشه‌های سیاسی، عمومی و یا فردی دارد. در این مورد او چهار مرحله را برای وقوع مشکل در جوامع متمایز نموده است که عبارت اند از؛ ۱. تشخیص درد یا شناخت مشکل؛ ۲. علت شناسی؛ ۳. آرمان شناسی؛ ۴. راه حل شناسی.

از دیدگاه اسپریگنز متفکران سیاسی از بحران‌های سیاسی که جامعه با آن‌ها درگیر است آغاز می‌کنند. اکثر آن‌ها آثار خود را در زمانی نگاشته‌اند که جداً احساس می‌کردند جامعه‌شان دچار بحران است. بنابراین نظریه پرداز سیاسی ممکن است به دلیل کوشش برای علت یابی و خشکاندن ریشه درد و رنج روانی خود به تفکر در اطراف مسائل سیاسی وادار شود (تاجیک، عباسی، ۱۳۹۱: ۲۰). همان گونه که شرح آن رفت، اندیشمندان با توجه به بستر و محیط اجتماعی و سیاسی جامعه، با واقع گرایی به رصد و شناخت مشکلات می‌پردازند. پس از شناخت مشکل، اسپریگنز، مرحله بعد را علت شناسی معرفی می‌کند. در این مرحله اندیشمند به شناسایی علل ریشه‌ای به وجود آمدن مشکل نظر دارد. وقتی علل یک مشکل مشخص گردید راه درمان درد هموار می‌گردد. بیمار و گرفتار یافتن زمانه دو پیامد دارد: نخست آنکه در زبان اندیشمندان بازتاب می‌یابد و زینسان، پژوهشگر باید ردپای نابسامانی زمان را در زبان یا گفتارها و نوشتارهای اندیشمندان بیابد. دوم آنکه بسیار آزار دهنده و دردناکیز است و بدین روی، اندیش ورزان را به شناختن ریشه‌های درد و خشکاندن آن‌ها (دریچه شناختی دوم) رهنمون می‌شود (کریمی مله، قزلسفلی و گرشاسبی، ۱۴۰۱:

۲۷۹.

اکنون که مشکل و علت درد جوامع به طور واقع درک گردید، اندیشمند باید از «هست‌ها» به سوی امر مطلوب که «باید‌ها» است و بر اساس هنجارها و ارزش‌ها که ویژه جوامع سستی است حرکت نماید. بدین سان جامعه باید از وضعیت بیماری خود به سوی بهبودی بر اساس باید‌ها و هنجارهای حرکت کند و اندیشمند در این میان جامعه آرمانی را برای جامعه ترسیم نماید که فاقد دردها، رنج‌ها و مشکلات درک شده پیشین است.

نظریه پرداز سیاسی می‌کوشد با قرار دادن سیاست در چشم اندازی گسترده «تصویری جامع» به مخاطبان خود ارائه دهد. در واقع، هدف وی رفع کمبودهایی است که اغلب در سیاست دیده می‌شود. از نظر اسپریگنز هدف نظریه سیاسی این است که بازی کاملاً جدیدی را به ما بشناساند؛ هنر بزرگ نیز در این بازی ارائه روشی است که با آن، دو هنجار «هست‌ها» و «باید‌باشد»، اگر نه با «منطق»، دست کم به طور «طبیعی» تلفیق شوند (اسماعیلی و عباسی، ۱۳۹۵: ۵۵۳).

سرانجام اندیشمند، پس از ترسیم جامعه آرمانی باید به ارائه راه حل به عنوان آخرین مرحله کار خود بپردازد. در این مسیر، او باید راه حل‌ها و روش‌های رسیدن به وضعیت مطلوب را، که خود ترسیم و معرفی نموده است، با توجه به ظرفیت‌ها و امکانات جامعه ارائه نماید، تا جامعه با عمل بدان، به تحقق جامعه مطلوب دست یازد. ابراهیم برزگر، در مقاله «اندیشه سیاسی روزبهران خنجی و الگوی اسپریگنز» به این موضوع این گونه اشاره می‌نماید که؛ «مرحله نهایی نظریه سیاسی از نظر اسپریگنز، «ارائه راه حل» است. آنچه برای رفع بی‌نظمی پیشنهاد و راهکارهای عملی که صراحتاً یا تلویحاً توصیه می‌شود تا با به کار بردن آن‌ها، مشکل موجود را رفع و نظم را برقرار کرد. نظریه پرداز با در نظر گرفتن وضعیت و امکانات پیرامون خود، آرمان خویش را صیقل می‌دهد تا در دنیای واقعی بتوان آن را عملیاتی کرد.» (برزگر، ۱۳۹۶: ۲۶).

۳. پیشینه تحقیق

در مورد تمدن اسلامی آثای زیادی نگاشته شده است که بیشتر آن‌ها به صورت کتاب است و به صورت مقالات علمی و پژوهشی از کمیت پایینی برخوردار است. کلثومی (۱۳۹۴) در مقاله «موانع و آفات درونی در تحقق تمدن نوین اسلامی»، و مقاله زنگویی و همکاران (۱۳۹۴) با عنوان «آسیب‌شناسی، موانع و چالش‌ها در تحقق تمدن نوین اسلامی» در اولین همایش ملی تمدن نوین اسلامی و همچنین مقاله رحیم یوسف وند و اقبال امیری (۱۳۹۸) تحت عنوان «الزامات و آسیب‌های تحقق

تمدن نوین اسلامی» علیرغم اشاره به آسیب های تمدن اسلامی و موانع آن، هر سه فاقد چارچوب نظری هستند. ابوالقاسم عظیمی و همکاران (۱۴۰۰) در تحقیق (واکاوی عوامل رکود آفرین و موانع اعتباری ایجاد تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری) پرداختند و همان گونه که از عنوان مقاله پیداست، موانع و آسیب ها بر اساس نظر رهبر مظم انقلاب برشمرده شده است و بیشتر از روزنه نظریه اعتباریات علامه طباطبایی به موضوع اشاره داشتند. به نظرات سید حسین نصر (۱۳۸۹) توسط سید علیرضا عالمی در کتاب «آسیب شناسی تمدن اسلامی» اشاره گردیده که در آن به بحث تمدن به طور کلی پرداخته شده و کمتر به الزامات اصلی ساخت تمدن که تشکیل حکومت اسلامی است پرداخته شده است. علی اکبر ولایتی (۱۳۸۴) در کتاب «فرهنگ و تمدن اسلامی» به صورت کامل به مقوله فرهنگ پرداخته است و در مورد تمدن و موانع آن نیز قلم فرسایی نموده اما بیشتر نگرش ایشان تاریخی است. کتاب های متعدد دیگری نیز در این زمینه به رشته تحریر درآمده است که بیشتر به روند تحقق تمدن اسلامی نظر دارند، که نام بردن از همه آن ها در این مجال نمی گنجد. پژوهش حاضر علاوه بر بیان موانع به الزامات نظام اسلامی تمدن ساز اشاره نموده و یکی از تفاوت های بارز آن نقش محوری انقلاب اسلامی ایران است

۴. تعریف مفاهیم

۴-۱. تمدن

تمدن مصدر از باب تفاعل است که ریشه اش به مدینه و شهرنشینی برمی گردد. از منظر لغوی تمدن را می توان تخلق به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت، انس و معرفت، اقامت در شهر، تربیت، ادب و... دانست. به همین دلیل برخی از نظریه پردازان تمدن را مترادف اجتماع شهری و رها شدگی از زندگی بدوی دانسته اند (جمشیدی ها و قربی، ۱۴۰۱: ۴). بنابراین در بررسی و تعریف چیستی تمدن، نظریات مختلفی در باب چگونگی ایجاد، ماندگاری و به فراموشی سپردن آن وجود دارد و نمی توان تعریف دقیقی از تمدن به دست داد. برخی مانند اشپنلگر رویکرد نظام وارگی به تمدن دارد و آن را یک کل یکپارچه می داند و مانند موجود زنده می پندارد. تمدن ها کل های یکپارچه ای هستند شبیه موجودات زنده که ادوار رشد، بلوغ و زوال را از سر می گذرانند. آن ها به ترتیب جوانه های سبز بهار، گرمای شدید تابستان خلاق، بلوغ فرزاندگی پاییزی و تیرگی سرد زمستان خرد کننده را به ظهور می رسانند (صالحی، ۱۳۹۹: ۲۸). تمدن از یک بعد تشکیل نشده است بلکه دارای ابعاد متفاوت جغرافیایی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است که با

تمایز در برخی از مولفه ها از سایر تمدن ها و فرهنگ ها شناخته می شود و حوزه تمدنی خاص خود را شکل می دهد و از ابعاد مادی و معنوی توأمان برخوردار است که در جهت پیشبرد اهداف مادی و معنوی جوامع قابل ارزیابی است.

در اصطلاح، تمدن پدیده ای به هم تنیده را می گویند که همه رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و هنر و ادبیات را دربر می گیرد. توین بی تمدن را حاصل نوبغ اقلیت نوآور می داند و در تعریفی تمدن تشکل انسان ها با روابط عالی و اشتراک همه افراد و گروه های جامعه در پیشبرد اهداف مادی و معنوی برآیس رسیدن به حیات معقول است (حسینی، عظیمی و دشتی، ۱۴۰۰: ۱۵۱). تمدن، نوعی سیطره فراملی و عموماً در سطح جهانی است با شمولیت در ابعاد چهارگانه روابط انسانی اعم از فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اخلاقی که بر اساس اراده جمعی و انسانی از یک مهد و جامعه سر می زند، ولی دامنه های جهانی بسیاری را دربر می گیرد و همراه با قدرت نفوذ و جریان سازی های جهانی برای تحقق آرمان هایی خاص و تعالی جو (که غالباً متأثر از یک مکتب دینی است) در مسیر تحولات تاریخ بشری دارای تاثیر و تاثرات مشخصی خواهد بود (حسینی، ۱۳۹۵: ۴۶).

۲-۴. تمدن اسلامی

تمدن اسلامی، جامعه ای فراگیر در همه ابعاد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است که بر اساس اصول مشترک اسلامی که برگرفته از منابع دینی است و به روند و خط سیر این جامعه بسوی هدف آرمانی معین، جهت می دهد. این اصول و ارزش ها محصور در مرزهای کشورهای اسلامی و یا منحصر به زبان و ملیتی خاص نیست و همه خود را ملزم به حرکت در چارچوب آن می دانند و بر اساس همگونی جنبه های فردی و اجتماعی آن اصول هویت می یابند و از سایر تمدن ها متمایز می شوند.

تمدن اسلامی بیانگر همه جنبه های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه است که ابعاد وجودی فرد و جامعه را پوشش می دهد که همه مولفه های آن بر محور اسلام می گردد. بدین ترتیب، تمدن اسلامی از همه ویژگی های تمدن الهی در چارچوب آموزه های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر (ص) برخوردار است و مولفه های آن، دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و غیره است. برای حصول تمدن اسلامی باید مجموعه ای از شروط اخلاقی و مادی حاصل شود. (جمشیدی ها و قربی، ۱۴۰۱: ۴).

۳-۴. نظام انقلابی تمدن ساز

نظام انقلابی، منشأ از تغییرات بنیادین صورت گرفته در ساختار سیاسی، اجتماعی، فرهنگی به عبارت دیگر دگرگونی در زیربنا و روبنا نظام سلطنتی ایران است که انقلاب اسلامی برنظم قبلی استیلا پیدا کرده و نظم جدید بر پایه اسلام سیاسی بنا نموده. نظمی که بر ارزش‌ها و باورهای اسلامی استوار است و هویت اسلامی و معنویت و آموزه‌های عالی قرآن محور اصلی آن می‌باشد. این انقلاب به دلیل جاذبیت در شعارها، اهداف، روش‌ها، محتوا و نتایج حرکت‌ها و سابقه مشترک دینی و تاریخی و شرایط محیطی منطقه ای و بین‌المللی، پدیده ای اثرگذار در جهان اسلام بوده است به صورتی که انقلاب اسلامی به چند قرن خمودگی و انحطاط تمدن اسلامی و عظمت جهانی آن خاتمه داده و موجب بروز نوعی بیداری و احیای اسلام آن هم بر پایه بازگشت به ایدئولوژی و مکتب اسلام گردید (محمدی، ۱۳۸۳: ۱۲۱-۱۲۰).

به دلیل وجود چندپارگی تمدنی که پس از فروپاشی اردوگاه سوسیالیسم واقع گردید و بر اساس نظر هانتینگتون؛ زین پس شاهد مناطق تمدنی چند گانه در عرصه نظم بین‌الملل هستیم؛ و با توجه به این که انقلاب ایران خود را در پیش از ظهور ارائه دهنده یک حکومت دینی بر اساس نظریه ولایت فقیه، که نیابت عام ایشان است، وظیفه زمینه سازی برای ظهور را در دایره وظایف خود تعریف نموده است. اکنون با توجه به تغییرات وسیع و شتابان در منطقه غرب آسیا و ایفای نقش موثر کشور ایران که پرچمدار تمدن شیعی به همراه کشورهای شیعه و محور مقاومت در منطقه است، بنا به آموزه های مطرح شده از سوی رهبری نظام؛ مبنی بر این که در گام دوم انقلاب اسلامی باید نقش موثر و فعالی در شکل دهی به تمدن جدید ایفا نماید تا در جایگاه نظم نوین در حال شکل گیری به تعریف جایگاه خود بپردازد و از آن کنار گذاشته نشود.

نظام انقلاب اسلامی رسالت خود را مهیا کردن شرایط برای ظهور و تشکیل حکومت عدل جهانی که هدف غایی بشریت است می‌داند و تا برپایی حکومت جهانی مستضعفان و ظهور منجی بشریت امام زمان (عج) از تلاش نظری و عملی برای تحقق آن فروگذار نخواهد شد. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که از سوی رهبر معظم انقلاب مطرح شد، راهبرد و سیاست کلی نظام اسلامی در چهل سال دوم می‌باشد که مسیر دست‌یابی به جامعه اسلامی تمدن ساز را در گام دوم انقلاب مهیا می‌کند لذا دست‌یابی به هدف اصلی گام دوم انقلاب نیازمند نگاه آسیب شناسانه به انقلاب به منظور رفع موانع و تسریع در دست‌یابی به هدف متعالی انقلاب اسلامی که همان تمدن سازی اسلامی می‌باشد، است. رسیدن به کمال، تحقق جامعه سالم، تحقق عدالت فراگیر، رفاه عمومی، صلح بین‌الملل، امنیت

عمومی، آرامش از جمله اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی می‌باشد (دهشیری، ۱۳۹۸: ۶۴-۶۳). لذا برای تحقق این امر نیاز به مشخص شدن الزامات مورد نیاز برای نیل به تمدن نوین اسلامی است؛ در دهه پس از انقلاب وجود موانع داخلی و خارجی بر سر راه انقلاب، جهت دستیابی به اهداف آن، خودنمایی می‌کند. برای دست یابی به اهداف انقلاب که مهم ترین آن‌ها بنیان نهادن تمدن نوین اسلامی است، الزاماتی مورد نیاز است و با موانعی نیز روبرو است، بنابراین شناخت این موانع برای رفع آن‌ها و تامین الزامات ضروری می‌نماید. بدین سان در ابتدا به موانع تحقق نظام انقلابی تمدن ساز اشاره خواهد شد.

۵. موانع تحقق نظام انقلابی تمدن ساز

۵-۱. موانع داخلی

۱-۱-۵. دوری از آموزه‌های اسلامی و فرهنگ اصیل ایرانی - اسلامی

رفتارهای فاصله از آموزه‌های اسلامی و فرهنگ اصیل اسلامی و ایرانی یکی از موانع و آفت‌های تحقق تمدن اسلامی است. عدم توجه به دستورات و آموزه‌های اسلامی - ایرانی در بخش کلان و خرد جامعه و محور قرار ندادن آن در امور حاکمیتی و مدنی و توجه به هنجارها و ارزش‌های بین‌المللی که برگرفته از هنجارهای ناشی از تفوق قدرت‌های استکباری پیروز در جنگ جهانی دوم می‌باشد، از موانع جدی تحقق نظم تمدن ساز اسلامی است. بسیاری از هنجارها و فرهنگ مسلط برجهان با ارزش‌های اسلامی و ایرانی سازگار نیستند و تحقق تمدن با تقلید و وارد کردن ارزش‌ها میسر نمی‌شود.

۲-۱-۵. نفوذ

نفوذ و ورود جریان‌های طرفدار غرب و صهیونیسم جهانی و ترویج فرهنگ و سیاست‌های استکبار تحت عناوین مختلف از جمله سند توسعه پایدار (سند ۲۰۳۰) یکی از موانع جدی تحقق تمدن اسلامی است. در این روش افراد هدف با نفوذ در رهبران شاخص، احزاب سیاسی، گروه‌ها و NGOها، در کنار ورود به تشکلات مدنی با دستاویز قرار دان فعالیت‌های مدنی در کنار هدف قرار دادن افراد شاخص در نهادهای حاکمیتی به خصوص مقامات رده بالا و میانی درصدد نفوذ در آن‌ها و پیاده‌سازی اندیشه‌های و سیاست‌های فرهنگی و اندیشه‌های لیبرالی غرب می‌باشند. گاهی این امر به صورت غیرمستقیم انجام می‌شود که پیشگیری و شناخت آن و مسدود کردن رخنه‌های نفوذ، در تحقق تمدن اسلامی بسیار مورد اهمیت می‌باشد.

۳-۱-۵. بیگانه پرستی؛ تفرقه و جدایی جهان اسلام

یکی از مشکلات اساسی و بنیادی در جهان اسلام، عدم اتحاد و همگرایی در مسائل مربوط به جهان اسلام است. این امر سبب نفوذ بیگانه و دخالت در امور اسلامی شده که به طبع آن سبب واگرایی جهان اسلام و استثمار منابع اسلامی توسط بیگانگان شده است. امر دیگری که وجود دارد مسئله توجه به بیگانه و طرد داخلی است. ممالک اسلامی از ایده، نظریه، منابع غربی چه در زمینه اقتصاد یا نیروی انسانی و چه در صنایع مختلف، پیرو و پشتیبان ایده‌ها و تحرکات خارج از جهان اسلام هستند در صورتی که از پتانسیل بالای جهان اسلام که برای قرون متمادی پرچم‌دار ایده و علوم در همه زمینه‌ها بوده، دوری جسته و بر منابع غربی تکیه کرده‌اند. لذا بیگانه پرستی و ارج نهادن به دستاوردهای بیگانه و دوری از اتحاد و تقریب مذاهب و ممالک اسلام و پیروی از فرقه و قبیله گرایی و گرفتار شدن سرزمین‌های اسلامی در نزاع‌های خشونت‌آمیز و عقب ماندن از توسعه که با تحریک بیگانگان همراه است، از موانع جدی تحقق تمدن فراگیر اسلامی می‌باشد.

۲-۵. موانع خارجی

۱-۲-۵. قدرت‌های استکباری

قدرت‌های فرا منطقه‌ای که مهم‌ترین آن بلوک غرب به رهبری آمریکا می‌باشند، طی قرون متمادی با تفردهای مختلف قومی، قبیله‌ای، مذهبی و غیره توانستند سرزمین‌های اسلامی را مورد استعمار و استثمار قرار دهند. با پیشرفت و مقاومت اندک مسلمانان بعد از قرون متمادی به‌ناچار اقدام به عقب‌نشینی کرده، اما هیچ‌گاه از اقدامات سلطه گرایانه خود در جهان و جلوگیری از اتحاد و همگرایی و تشکیل دولت‌های اسلامی قدرتمند، دست برنداشته‌اند. پیروزی انقلاب اسلامی که مهم‌ترین دست‌نشانده آمریکا و غرب در منطقه را از اریکه قدرت برکنار کرده بود، یکی از مهم‌ترین ضرباتی بود که بر قدرت، دکترین و برتری هژمونی غرب زده شد. انقلاب اسلامی با به چالش کشیدن و زیر سؤال بردن ساختار سیاسی و کارکرد نظام بین‌الملل، مورد تردید جدی قرار گرفتن اقتدار آمریکایی‌ها در منطقه و جهان، بی‌اعتباری نظام دو قطبی حاکم بر جهان و ارائه راه سوم، جهانی سازی مبارزه با صهیونیسم، تغییر راهبردهای منطقه‌ای دو ابرقدرت، فروپاشی اتحاد شوروی، بیداری اسلامی در منطقه و جهان اسلام، منشا تأثیرات، تغییرات و تحولات متعددی بر نظام بین‌الملل شده است (رضاپور، ۱۳۹۳: ۱۵۴).

۲-۲-۵. جریان‌های فکری - فرهنگی مهاجم

از جمله جریان‌های فکری و فرهنگی که می‌تواند به عنوان مانع در تحقق تمدن اسلامی مطرح شود، به جریان‌های لیبرالی و شاخه‌های مختلف آن، سوسیالیسم و کمونیسم، هم‌جنس‌گرایی، پذیرش ظلم و ظالم، فمینیسم، سازش، دوری از آرمان‌ها و پذیرش واقعیت‌های موجود، محافظه‌کاری و دوری از تفکرات انقلابی، دوری از استکبارستیزی، فراماسونری، سکولاریسم، جریان‌های نوظهور مهاجم غربی که باهدف براندازی یا تحت تأثیر قرار دادن باورها و اعتقادات مسلمانان در جهان اسلام طرح‌ریزی شده‌اند، اشاره کرد. جریان‌های متعدد فرهنگی که توسط مراکز فکری صهیونیسم جهانی طراحی و با حمایت‌های مالی گسترده آن در جهان به‌ویژه در بین مسلمانان و به‌طور خاص در ایران گسترش داده می‌شوند به دنبال اهدافی از قبیل تغییر آداب، رفتار، باورها، اعتقادات، طرز تفکر، مطلوبیت ارزشی در بین نسل جوان و غیره، هستند تا مطلوبیت ارزش‌های خوب و بد جای خود را تغییر دهند. لذا این جریان‌ها از مهم‌ترین موانع و خطراتی می‌باشند که مراکز فکری و فرهنگی غرب در پیاده کردن آن از طریق بازوی قدرتمند رسانه‌ای خود که با سیطره بر مراکز مهم رسانه‌ای جهان توانسته‌اند بر آن دست پیدا کنند، سعی در ترویج و گسترش تفکرات نظام سرمایه‌داری در نظام اسلامی هستند.

۳-۲-۵. ارتجاع عربی منطقه

منطقه غرب آسیا یکی از راهبردی‌ترین مناطق جهان به شمار می‌آید. این منطقه به سبب داشتن بیشترین میزان ذخایر انرژی، موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی در جهان، همواره مورد توجه قدرت‌های فرا منطقه‌ای بوده است. اکثر دولت‌های مستقر در غرب آسیا، مسلمان و پیرو مذهب سنی می‌باشند. هرچند در نگاه کلی، مشترکات زیادی میان اهل تشیع و اهل تسنن وجود دارد ولی به سبب حکومت‌های قبیله‌ای، فقدان چرخش نخبگان، مردمی نبودن حکومت‌ها، رانت و فساد گسترده، اقتصاد نفتی و وابستگی به کمک‌های اقتصادی غرب به‌ویژه آمریکا، قریب به اتفاق حاکمان عربی منطقه تحت تأثیر سیاست‌های غرب قرار داشته. این امر سبب پنداشت تهدید، از سوی انقلاب اسلامی شده است. لذا انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان تهدید مستقیم و غیرمستقیم علیه حکومت‌های خود معرفی کرده‌اند. در ایجاد توهم تهدید نقش صهیونیسم جهانی و غرب بسیار کلیدی است. این امر با ثروت‌های بسیار نفتی دولت‌های عرب منطقه و هدایت این ثروت‌ها در جهت مقابله با تهدیدهای فرضی و توهمی جمهوری اسلامی، دوچندان شده است که در ایجاد این توهم، روابط متقابل از

منافع بین حکومت‌های قبیله‌ای و سیاست‌های غرب به رهبری آمریکا در منطقه وجود دارد.

۶. الزامات فرهنگی تحقق نظام انقلابی تمدن ساز

۶-۱. الزامات فرهنگی

۶-۱-۱. محوریت قرآن

قرآن کتاب هدایت بشر است و یکی از اصلی‌ترین منابع استخراج احکام اسلامی و نیز قوانین جوامع بشری که در قوانین موضوعه و اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران نمود بارزی دارد. علاوه بر آن به مسائل مادی و معنوی اشاره نموده و از سویی به سرگذشت افراد شاخص، اقوام، شهرها و تمدن‌ها، در اعصار گذشته اشاره کرده است و خواستار عبرت گرفتن از تاریخ آنان است. قرآن در دوره‌های تاریخی مذکور وجود سنت‌های الهی را مسلط می‌داند و عدم توجه به این سنت‌ها را سب ساز سقوط شهرها و تمدن‌ها می‌داند. بنابراین بر اساس نظریه جستاری اسپریگنز که به علت شناسی اهتمام دارد؛ جامعه اسلامی باید به علل و چرایی سقوط تمدن‌ها و شهرها در قرآن به عنوان یک نمونه از پیش آمده شده بنگرد و با در نظر گرفتن این سنن از این سرگذشت‌ها عبرت گرفته و از تکرار و تجربه مجدد آن‌ها احراز نماید و همچنین با پیاده سازی احکام و قوانین اسلامی بر اساس نص صریح قرآن به اداره جامعه و کشور اسلامی پردازد تا بر اساس مرحله راه حل یابی نظریه جستاری اسپریگنز با کاربست راه حل‌ها به سوی آرمان انقلاب و جامعه اسلامی به تحقق تمدن نوین اسلامی بپردازد. لذا لازمه تحقق تمدنی اسلامی و انقلابی مستلزم محور قرار دادن همه‌جانبه قرآن در تمام ساختارهای حاکمیتی و اجتماعی است. به عبارت دیگر آموزه‌ها و دستورات قرآن به عنوان راهنما و خط‌مشی روابط بین ساختاری جامعه قرار گرفته شود. تحقق این امر به صورت اتومات نظم نوین اسلامی و تحقق تمدنی اسلامی را رغم می‌زند.

۶-۱-۲. سیره نبوی و ائمه اطهار(ع)

سیره نبوی و ائمه اطهار(ع) بعد از قرآن کریم، مهم‌ترین و گران‌بهارترین راهنمای مادی و معنوی انسان‌ها می‌باشند. ائمه اطهار و پیامبران الهی به خصوص پیامبر اکرم اسلام(ص) با سرمشق قرار دادن رضای خدا در تمام امور مادی و معنوی، نمونه بسیار بارزی از الگوی یک انسان متعالی هستند. سرمشق قرار دادن الگوی زندگی آن‌ها راهنمای جامعی برای دستیابی به تمدن انقلابی-اسلامی است. این الگو شامل تمامی امور سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و غیره می‌باشند که پیامبران الهی و ائمه اطهار(ع) در طول زندگی خود آن را برای نسل‌های آینده به‌جای گذاشته‌اند. لذا پیاده‌سازی افکار و کردار آن‌ها در ساختارهای حاکمیتی و روابط متقابل جامعه و نهادها می‌تواند گام

بسیار محکمی در تحقق نظام انقلابی تمدن ساز باشد. انقلاب اسلامی بردو پایه مهم قرار دارد که عامل پیروزی و تداوم آن است؛ یکی از آن ها مکتب عاشورا و نهضت حسینی است که منشأ همه انقلاب های آزادی خواه است؛ زیرا این نهضت از پیروزی خون بر شمشیر حکایت می کند و رمز پیروزی انقلاب اسلامی و مقاومت جمهوری اسلامی ایران در مقابل کانون های قدرت و ثروت است اما اعتقاد به مهدویت پایه مهم دیگر انقلاب محسوب می شود که تدام بخش آن است (باقری، ۱۳۹۳: ۷۸).

۳-۱-۶. ترویج اسلامی

اسلام یک مکتب معنوی صرف نیست بلکه تلفیقی از مکتب مادی و معنوی است. طرح سه عنصر معنویت، اخلاق و عدالت در نظام بین الملل از مباحث مطرح شده انقلاب اسلامی است (محمدی، ۱۳۸۴: ۸۴-۵۱). بنیان گذار انقلاب اسلامی حول محور انسان سازی بیان می دارد؛ «اسلام، مادیت را در پناه معنویت قبول دارد. معنویات، اخلاق، تهذیب نفس. اسلام برای تهذیب انسان آمده است؛ برای انسان سازی آمده است. همه مکتب های توحیدی برای انسان سازی آمده اند. ما مکلفیم انسان بسازیم.» (امام خمینی، ۱۳۵۸/۸۳). یکی از الزامات اساسی ساخت تمدن اسلامی، تربیت و کادر سازی نیروهای انقلابی مورد نیاز تمدن اسلامی است. این امر سبب استحکام نظام اسلامی می گردد و عدم توجه به آن سبب رخنه و نفوذ بیگانگان و الگو قرار گرفتن مظاهر صرف مادی غرب می شود. جوانان، کودکان و به طور کلی خانواده، نهادهای آموزشی، مهم ترین رکن تربیت و پرورش اسلامی هستند که می توانند در این امر نقش کلیدی داشته باشند عدم تحقق این امر سبب انحراف انقلاب اسلامی و از مسیر خارج شدن اهداف نظام انقلابی اسلامی می شود.

۴-۱-۶. ضرورت تحقق علوم اسلامی

دانشگاه محور تحرک علمی در هر جامعه توسعه یافته ای است. برای اینکه بتوان در زمینه های مختلف علمی و فناوری به خودکفایی ملی دست یابیم، باید در تحقق دانشگاه تولید محور اهمیت قائل شد. دانشگاه می تواند با پرورش نیروهای متخصص در هر زمینه ای نیازهای جامعه را برآورده کند و دسترسی به منابع خارجی را محدود کند. لذا برای خودکفای در مسائل علمی ضرورت ایجاب می کند به دانشگاه به عنوان نقش محوری در پیشرفت علمی توجه شود. در واقع دانشگاه مبدأ تحولات در جهان کنونی است. اما نقطه ضعف در ساختار دانشگاهی، توجه بیش از اندازه به نظریه ها و علوم غربی است. بدین منظور ضرورت دارد برای دست یابی به نظام انقلابی تمدن ساز به صورت جد به تولید محتوای اسلامی در دانشگاه ها به جای محتوای غربی در علوم انسانی اهتمام شود تا زمینه

پیشرفت‌های مادی و معنوی جامعه صورت گیرد. اگر این مهم، تحت چارچوب نظریه‌های اسلامی که منشأ در سرشت انسانی و فطرت الهی انسان‌ها دارد، آمیخته نشود زمینه‌ساز تمدنی علمی-اسلامی در جامعه نمی‌شود.

۵-۱-۶. توجه ویژه به جوانان

نیروی انسانی جوان و تحصیل کرده با توجه به شور و انگیزه کافی در کنار توانایی‌های ذاتی جوانی از محورهای اصلی تحقق تمدن اسلامی است. ضرورت حضور جوانان در پست‌های مدیریتی و کادر سازی به‌منظور پذیرش مسئولیت‌ها و تغییر نسل و جای‌گزینی نسل‌های گذشته با نسل‌ها کنونی و نیاز به پردازش و تولید ایده‌های جدید، حضور جوانان را در این نظم نوین دوجندان می‌کند. در کنار این عوامل پذیرش سهل مسائل توسط جوانان و تجزیه و تحلیل آسان و آمادگی پذیرش توسط آن‌ها و پاک‌ی و فرصت کم گناه، سبب پذیرش آسان آموزه‌های اسلامی در آن‌ها و پیاده‌سازی آن در جامعه و ساختار حاکمیتی می‌شود.

۶-۱-۶. فرهنگ‌سازی و رسانه

فرهنگ از مقوله‌های مهم ساخت تمدن است. این واژه ارتباط تنگاتنگی با تمدن سازی دارد. هیچ تمدنی بدون فرهنگ‌سازی دوام پیدا نکرده و نمی‌کند. رهبر انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم به‌روشنی از فرهنگ سخن گفتند. بخش‌هایی از مهم‌ترین مباحث فرهنگی عبارت‌اند از: لزوم وجدان کاری در جامعه، انضباط اجتماعی و رعایت و ترویج آن در جامعه، توجه و اهمیت قرار دادن تولید کیفی در چرخه اقتصادی، صداقت، رعایت تصمیم‌گیری عقلایی و منطقی، شوق به کار در نظام اسلامی و دوری از کارگریزی، رعایت کار مفید در دستگاه‌های اداری، ریشه‌کن کردن ربا در بانک‌های اسلامی، ضرورت حق همسر، ترویج صلح‌رحم، حق زن، حق شوهر، حق فرزندان، طلاق و فروپاشی خانواده، حد زاد و ولد، وجود خانه‌های مجردی در شهرهای بزرگ همانند آنچه در غرب وجود دارد، تجمل‌گرایی، ترویج و گسترش تفریح سالم، ضرورت پرداختن به فرهنگ کار و کارگروهی و دسته‌جمعی، فرهنگ رانندگی و عبور از پیاده‌روها، بخشی از اشارات معظم له در ارتباط با فرهنگ سازی می‌باشد. ایشان در بخش دیگری اشاره می‌کنند: «نمی‌شود یک تمدن را به‌صرف این‌که ماشین دارد، صنعت دارد، ثروت دارد، قضاوت کرد و پخش و تحسین کرد؛ درحالی‌که در داخل آن، این مشکلات فراوان، سراسر جامعه و زندگی مردم را فراگرفته. اصل این‌هاست؛ آن‌ها ابزاری است برای اینکه این بخش تأمین شود، تا مردم احساس آسایش کنند، با امید زندگی کنند، با امنیت زندگی

کنند، پیش بروند، حرکت کنند، تعالی انسانی مطلوب پیدا کنند. باید ما به دنبال این باشیم که فرهنگ زندگی را تبیین کنیم، تدوین کنیم و به شکل مطلوب اسلام تحقق ببخشیم» (نماینده‌گی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۹۷: ۶۴-۶۲). لذا ساخت تمدن نیازمند فرهنگ‌سازی و توجه به آن در تمام زمینه‌ها است. این امر نقش رسانه‌ها به‌ویژه رسانه ملی را در تحقق، ترویج و گسترش آن در جامعه و سایر ملت‌ها دوچندان می‌کند.

۶-۲. الزامات اقتصادی

۶-۲-۱. تحقق اقتصاد مقاومتی و نفوذناپذیر

اقتصاد از مهم‌ترین ابزارها برای پیش برد اهداف مادی محسوب می‌شود. هر اقدامی در ساخت، توسعه و گسترش فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی، امنیتی، نظامی و غیره نیاز به پوشش مالی است. این امر بدون توانایی مالی میسر نمی‌شود. سالیان متمادی به دلیل اقتصاد تحصیل‌دار، از دسترسی به سایر منابع مالی ممانعت به‌عمل آمده؛ و تحریم سبب آسیب‌پذیری جمهوری اسلامی شده است. رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم در ارتباط با اقتصاد و اهمیت و ضرورت آن و راه‌هایی از اقتصاد نفتی چنین توصیه می‌نماید؛ اقتصاد یک نقطه کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است... مهم‌ترین عیوب، وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخش‌هایی از اقتصاد که در حیطه وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن، و سرانجام عدم ثبات سیاست‌های اجرایی اقتصاد و عدم رعایت اولویت‌ها و وجود هزینه‌های زائد و حتی مسرفانه در بخش‌هایی از دستگاه حکومتی است... راه‌حل سیاست اقتصاد مقاومتی است. درون‌زایی اقتصاد کشور، مولد شدن و دانش‌بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدی‌گری نکردن دولت، برون‌گرایی بخش‌های مهم این راه‌حل‌ها است (رهبری، ۱۳۹۷: ۲۲). بنابراین دستیابی به اقتصاد مقاومتی راه نجات و استحکام‌بخشی اقتصاد نظام اسلامی است. این امر سبب مصون ماندن نظام اسلامی از تحولات و تغییرات جهانی و تحقق تمدن اسلامی می‌شود.

۶-۲-۲. تغییر سبک زندگی و الگوی مصرف

سبک زندگی عبارت از مجموعه‌ای از کنش‌های سازمان‌یافته و نهادینه‌شده فردی و اجتماعی است. بر اساس این تعریف، سبک زندگی شامل هر رفتار، اعم از فردی یا گروهی و اجتماعی که در افراد نهادینه‌شده و به‌صورت ملکه و عادت درآمده است، می‌شود (شریفی، ۱۳۹۸: ۹۰-۸۹). سبک

زندگی سالم یکی از الزامات نظم تمدن ساز است. این سبک شامل اعمال و رفتار نیکو، اصلاح رفتار مصرفی، رعایت اعتدال در زندگی، تغییر شیوه مصرف اعم از انرژی، تغذیه و غیره، تغییر آداب اجتماعی ناسالم، رعایت آداب اسلامی، تغییر شیوه و باورهای ناسالم، از جمله ملزومات اساسی نظام تمدن ساز است. این امر اگر به صورت عادت در بین آحاد جامعه رواج یابد، موجب اصلاح مصرف و اصلاح رفتار ناصحیح شده که به طبع آن سبب توسعه پایدار و افزایش ضریب امنیت پایدار نظام اسلامی می شود.

۳-۲-۶. تحقق عدالت و مقابله با فساد

عدالت مفهوم اساسی و یکی از مهم ترین رکن اسلام و از اصول دین در مذهب تشیع است. ضرورت تحقق عدالت در همه امور اجتماعی به دلیل اهمیت آن در اسلام می باشد. نابرابری های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و عدم برابری فرصت ها در جامعه سبب مأیوس شدن جامعه از حاکمیت می شود. این امر سبب عدم همراهی و واگرایی در جامعه شده و به طبع آن نابرابری گسترش یافته و آسیب های جبران ناپذیری را به همراه خواهد داشت. مقابله با فساد یکی از موارد تحقق عدالت و ترویج عدالت در جامعه اسلامی است. در جامعه اسلامی و تمدن اسلامی وجود فساد بسیار حساس برانگیز است. لذا مبارزه جد و ریشه کنی آن از طریق آسیب شناسی، گسترش چتر نظارتی نهادهای حاکمیتی، مبارزه با فقر، از مهم ترین رکن ها در تحقق تمدن اسلامی است.

۳-۲-۶. الزامات سیاسی

۱-۳-۶. صداقت، اعتماد و افزایش مشارکت مردمی

تحقق نظام تمدن ساز مستلزم اعتماد جامعه و افزایش مشارکت مردم در تحقق آن است. لازمه آن صداقت مسئولین و متولیان تصمیم گیرنده است. جامعه با مشاهده صداقت و شفافیت در امور، خود را جزئی از فرآیند تصمیم گیری می پندارند و در تحقق اهداف به صورت همه جانبه وارد می شوند. این امر با تحقق عدالت و شفافیت تسهیل می شود. به عبارتی محور قرار دادن مردم و تشویق و میدان دادن به مشارکت های مردمی نقش قابل توجهی در پیش برد اهداف حاکمیتی دارد. لذا سبب تحقق، حفظ و گسترش تمدن اسلامی می شود. اعتماد به مردم و فراهم کردن شرایط برای مشارکت مردم در جامعه از ضروریات جامعه تمدن ساز است.

۲-۳-۶. اتحاد و انسجام ملی- اسلامی؛ جذب حداکثری و دفع حداقلی

یکی از الزامات تمدن سازی جذب حداکثری و دفع حداقلی است. در جذب حداکثری باید تا

جایی که به ضرر نظام اسلامی نباشد به دنبال جذب آحاد مردم بود و در این بین به دنبال دفع حداقلی افراد که هیچ سازگاری با انقلاب اسلامی ندارند و با آن به نزاع علنی پرداخته‌اند، حرکت کرد. به عبارت دیگر قبول ظاهری انقلاب اسلامی می‌تواند به جذب حداکثری کمک کند. در کنار آن اتحاد و انسجام جامعه از تمام اقوام و گرایش‌ها حول محور اسلام و ایران پتانسیل بالایی در اختیار نظام اسلامی قرار می‌دهد. این امر توانایی جمهوری اسلامی را در آن‌سوی مرزها برای تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی به شدت بالا می‌برد. لذا اتحاد و انسجام ملی و اسلامی در کنار پیگیری سیاست دفع حداقلی و جذب حداکثری یکی از ملزومات نظام اسلامی تمدن ساز می‌باشد.

۳-۳-۶. همگرایی اسلامی

لازمه تحقق تمدن اسلامی، همگرایی و وحدت بین مسلمانان و جوامع اسلامی در جهان است. این امر با محور قرار دادن جهان اسلام به عنوان هدف انقلاب اسلامی بیشتر مورد اهمیت قرار می‌گیرد. قرآن مشترک، قبله واحد، پیامبر مشترک از جمله مشترکات میان امت اسلامی است که در میان همه فرق اسلامی واحد بوده. یکی از آفت‌ها و مشکلات اساسی که ملت‌های اسلامی و مسلمانان جهان سالیان دراز با آن روبه‌رو بوده‌اند، تفرقه و عدم اتحاد حول مشترکات است. لذا ضرورت ایجاد می‌کند به منظور رهایی از حاشیه قرار گرفتن دولت‌های اسلامی و مسلمانان جهان، از تفرقه دوری کرده و حول محور مشترکات اسلامی با ایجاد اتحاد زمینه تمدن اسلامی بزرگ رقم‌زده شود. در واقع اسلام دارای پتانسیل عظیمی از قدرت است که با همگرایی جریان‌های اسلامی به تحقق می‌پیوندد. این امر در داخل با محور قرار دادن مشترکات اسلامی در بین اقلیت‌های مذهبی، زمینه‌ساز توسعه پایدار امنیتی در داخل و خارج شده و دستیابی به تمدن انقلابی که ظرفیت بالایی در پذیرش همه جریان‌ها و فرقه‌های اسلامی شناخته شده دارد، به سایر جوامع نشان داده می‌شود.

۳-۳-۴. بازدارندگی حداکثری دفاعی

امنیت یکی از ملزومات اساسی ساخت تمدن است. هر تمدنی بقا و گسترش و حفظ آن وابستگی متقابلی به مقوله امنیت دارد. بدین منظور دستیابی به بازدارندگی امنیتی به صورتی که توانایی رخنه امنیتی از سوی دشمن گرفته شود، نشان از بازدارندگی است. در این مبحث توسعه صنایع نظامی و افزایش ظرفیت‌های دفاعی در زمینه هوایی، دریایی و زمینی به منظور ایجاد بازدارندگی که دشمن جرات آغاز تهاجم نظامی یا به خطر انداختن منافع نظام اسلامی از آن سلب شود، بازدارندگی نظامی محسوب می‌شود. این امر سبب حفظ، گسترش و تحقق تمدن اسلامی می‌شود که در سایه چتر دفاعی از طریق بازدارندگی حداکثر دفاعی، توانایی تهدید مستقیم و

غیرمستقیم نظامی دشمن در هر سطحی گرفته می‌شود.

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی از ابتدا با موانع و دشواری‌های بسیاری مواجه گردید و این موانع علاوه بر کند نمودن روند پیشرفت کشور در مسیر تمدن‌سازی آن، وقفه‌هایی ایجاد نمود که در حد امکان بدان‌ها پرداخته شد. علاوه بر جنگ تحمیلی؛ موانع متعددی وجود داشت که برخی داخلی و برخی از آن‌ها خارجی بودند. از آنجایی که فرهنگ از عناصر اصلی تمدن‌ها و روح و نرم افزار تمدن است، بیشترین آسیب‌ها در حوزه فرهنگی به فرایند تمدن‌سازی نظام وارد آمده است. این امر از سوی فرهنگ منحط غرب با تهاجم به فرهنگ ایرانی اسلامی به صورت شیخون فرهنگی در آمد و با ترکیب آن با تحریم‌های اقتصادی هزینه‌های مادی و معنوی بسیاری بدان تحمیل نمود. این موانع همچون سدی در مقابل اراده نظام جمهوری اسلامی قرار گرفته و تحقق اهداف متعالیه آن را از جمله ساخت نظامی تمدنی و الگو برای سایرین را با چالش‌های جدی مواجه کرده است. شناخت این موانع و الزام به رفع آن می‌تواند در تسریع این روند موثر باشد. موانع داخلی چون دوری از آموزه‌های قرآنی و اسلامی و همچنین فرهنگ اصیل ایرانی، نفوذ در ارکان فرهنگی کشور با تغییر در اسناد بالا دستی چون سند ۲۰۳۰ و وجود فرهنگ بیگانه پرستی و کرنش در برابر سلطه غربی که با آموزه تفرقه‌اندازی بین مسلمین هدف گذاری شده‌اند. از موانع خارجی نیز می‌توان به دشمنی قدرت‌های استکباری به رهبری آمریکا که در صدد بسط سلطه خود بر جان و منطقه غرب آسیا است و علاوه بر حفظ هژمونی خود با توجه به خومت تمدنی که با کشور ایران دارد در صدد جلوگیری از مطرح شدن انقلاب و نظام اسلامی به مثابه یک تمدن الگو برای کشورهای منطقه اشاره کرد. همچنین با توجه به اهمیت جنبه فرهنگی در تمدن‌ها، هجوم فرهنگی از سوی فرهنگ ویرانگر غربی به نظام تمدن‌ساز فزونی یافته و با ورود افکار و اندیشه‌های غربی مهاجم، شاهد بروز اندیشه‌ها مخالف اسلامی و یا التقاطی هستیم، اندیشه‌هایی که لزوم شکل‌دهی به تمدن نوین اسلامی را رد می‌کنند و عملی‌عصب یا غیرقابل‌تحقق می‌دانند. به این موانع باید نگرش و عملکرد کشورهای مرتجع عربی منطقه که با ایالات متحده و رژیم صهیونیستی هم صدا شده‌اند و تحرکات تمدنی نظام اسلامی را از روزنه تهدید می‌نگرند و در تقابل با آن کوتاهی نمی‌کنند و این امر در فرایند پیشرفت نظام تمدن‌سازی نوین ایجاد وقفه و مانع می‌نماید. بنابراین پس از شناخت این موانع باید الزامات این نظام، رفع این موانع باشد تا بستر و زمینه لازم بر اساس موارد برشمرده شده به سوی نیل به تمدن نوین اسلامی هموار گردد.

منابع

- اسماعیلی، محمد مهدی و عباسی، میثم (۱۳۹۵)، «تاملی در اندیشه سیاسی غزالی با بهره گیری از الگوی روش شناسی اسپریگنز»، سیاست، دوره ۴۸، شماره ۳، پاییز، صص ۵۷۰-۵۵۱.
- باقری، شهلا (۱۳۹۳)، «ظرفیت تمدن سازی گفتمان انقلاب اسلامی»، مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی، دوره ۳، شماره ۵، پاییز و زمستان، صص ۸۴-۵۹.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۹۶)، «اندیشه سیاسی روزبهان خنجی و الگوی اسپریگنز»، سیاست، دوره ۴۷، شماره ۱، بهار، صص ۴۰-۲۳.
- بیانات امام خمینی (ره) (۱۳۹۸)، «معنویت، نردبان کمال؛ معنویت در کلام امام خمینی (ره)»، فصلنامه فرهنگ پویا، شماره ۴۰.
- تاجیک، نرگس و عباسی، مسلم (۱۳۹۱)، «امکانات رویکردهای میان رشته ای در بررسی شکل گیری اندیشه های سیاسی»، مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، دوره ۵، شماره ۱، زمستان، صص ۳۷-۱۷.
- جمشیدیها، غلامرضا و قربی، سید محمد جواد (۱۴۰۱)، انقلاب اسلامی تمدن ساز ایران و فروپاشی نظم آمریکایی، چاپ اول، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- حسینی، سید حسین (۱۳۹۵)، تمدن پژوهی، چاپ اول، تهران: جامعه شناسان.
- حسینی، سید محمد، دشتی، محمد، عظیمی، ابولقاسم (۱۴۰۰)، «واکاوی عوامل رکود آفرین و موانع اعتباری ایجاد تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری»، پژوهشنامه اندیشه معاصر، دوره ۲۶، شماره ۳، پاییز، صص ۱۷۸-۱۴۸.
- دهشیری، علیرضا (۱۳۹۸)، «بیانیه گام دوم؛ چیستی، اهداف و ملزومات»، فصلنامه فرهنگ پویا، شماره ۴۱، پاییز، صص ۶۲-۱.
- رضاپور، حسین (۱۳۹۳)، «تاثیر انقلاب اسلامی بر نظام بین الملل»، مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۱۱، شماره ۳۷، تابستان، صص ۱۵۸-۱۴۱.
- رهبری، سیف الله (۱۳۹۷)، «بیانیه گام دوم انقلاب؛ نقشه راه آینده»، نشریه کیهان فرهنگی، سال سی و پنجم، شماره ۳۸۶، بهمن و اسفند، صص ۷۳-۷۲.
- شریفی، احمد حسین (۱۳۹۸)، «گام دوم انقلاب، سبک زندگی و هنرهای بی زبان انتقال پیام (خلاصه سخنرانی دکتر احمد حسین شریفی)»، فصلنامه فرهنگ پویا، شماره ۴۱، پاییز.

صالحی، سید محمد حسین (۱۳۹۹)، *چیستی تمدن*، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

کریمه مله، علی؛ قزلسفلی، محمدتقی و گرشاسبی، رضا (۱۴۰۱)، «فهمی اسپریگنزی از چگونگی برآمدن اندیشه باستان گرایی در زمان پسامشروطه»، *جامعه شناسی سیاسی جهان اسلام*، دوره ۱۰، شماره ۲۰، بهار و تابستان، صص ۳۰۴-۲۷۵.

محمدی، منوچهر (۱۳۸۴)، «بازتاب جهانی انقلاب اسلامی»، *فصلنامه تخصصی مطالعات انقلاب اسلامی*، شماره ۲، پاییز، صص ۸۴-۵۱.

محمدی، منوچهر (۱۳۸۳)، «بازتاب انقلاب اسلامی در جهان اسلام»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۶۳، بهار، صص ۱۴۱-۱۱۹.

نماینده ولی فقیه در سپاه (۱۳۹۷)، *شرحی بر بیانیه گام دوم انقلاب*، تهران: معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.